



نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور

شماره ۵۲

خرداد/تیر ۶۶ زوای ۸۷

سال ششم

گرامی باد خاطره رفیق کبیر حمید اشرف و همرزمانش





اطلاعیه

در تاریخ ۶۶/۱/۱ یکی از اعضای کمیته مرکزی سازمان معروف به "توکل" از عضویت خود در کمیته مرکزی سازمان استعفا داد و در همان تاریخ مرکزیت سازمان با استعفای وی موافقت نمود. نامبرده طی این مدت به عنوان عضو سازمان دست به یکسری اعمال و رفتار ضد تشکیلاتی زد و به دفعات مکرر در امور سایر بخشهای تشکیلات دخالت نمود. در همین رابطه وی بطور خودسرانه اقدام به برقراری رابطه های غیر اصولی با دیگر سازمانها نمود و در ادامه این اقدامات سازمان شکنانه هفته گذشته به قصد تصرف فرستنده "مدای فدائی" عازم محل استقرار را دیوشد ۲۰ خرمین تلاش ما جراحویانه وی که به منظور قبضه کردن "مدای فدائی" صورت گرفت منجر به تعطیل "مدای فدائی" شد. از این رونا مبرده از تاریخ ۱۳۶۶/۳/۶ از سازمان اخراج گردید و سازمان هیچگونه مسئولیتی نسبت به وی ندارد.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۶۶/۳/۶

بسم الله الرحمن الرحيم

۰۲ انتقال جهان به فرانسه

۱۰ ○ انبراسو بالسم برولری ناعلمرصد اعلایون بوده ای - اکبری

۱۲ ○ مروری براوضاع ترکیه پس از کودتا

۲۰ ○ لاری و الی و لاری

۲۲ ○ لاری و الی و لاری

۲۴ ○ لاری و الی و لاری

۰۲۶ با کشورم چه رفته است .

۲۸ ○ کرانی باد

خاطره فدایی خلق
سعد سلطانپور

۲۹ ○ گزیده هایی از نریات و اطلاعیه ها

۰۲۲ نامه ای از ما کسیم گورکی

۲۶ ○ حمید اشرف

تجسم اراده

خلل ناپذیر فدایی خلق

۰۲۷ نین

در ناره

تولستوی

۴۱ ○ مویات کنکره های ۲۲ و ۲۳ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

۴۷ ○ مشکلات پناهندگان ایرانی در ترکیه را بهتر بشناسیم

انتقال جهان به فرانسه

مسئولیت انتشار "جهان" (ارگان سراسری هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور) از این شماره به بعد به عهده رفقای هوادار در فرانسه خواهد بود. "جهان" بعنوان پر-خواننده ترین نشریه مارکسیستی (فارسی) این موقعیت و جایگاه خویش را مدیون تلاش خستگی ناپذیر و ایمان راسخ کلیه رفقای است که با اراده ای سترگ و در جهت حفظ خط سرخ سازمان پر افتخار چریکهای فدایی خلق ایران از هیچ کوششی در جهت تدوام این نشریه دریغ نورزیده اند.

انتقال "جهان" از انگلستان به فرانسه نیز با توجه به تصمیمات قبلی و روال کار نشریه "جهان" به عنوان یک ارگان هوادار و همچنین مشکلاتی که می توانست در آینده ادامه کاری "جهان" را با دشواری - هائی مواجه نماید، صورت گرفته است. ما ضمن سپاسگزاری از زحمات رفقای هوادار در کلیه کشورها بخصوص رفقای هوادار در آمریکا و انگلستان که در رشد و ارتقاء "جهان" نقش موثری ایفا نمودند، امید-

واریم که بتوانیم با بهره گیری از همکاری کلیه نیروهای هوادار و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی، کیفیت و رزمندگی "جهان" را در راستای خط انقلابی سازمان که همانا دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و پایداری به انترناسیونالیسم پرولتری می باشد، هرچه بیشتر ارتقاء دهیم.

ما به عنوان معتقدین و مدافعین انترناسیونالیسم پرولتری تمامی نیروی خود را همچون گذشته در راستای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی، دفاع از مبارزات انقلابی و آزادی بخش خلقهای تحت ستم در تمامی پهنه گیتی، دفاع از مبارزات پرولتاریای در حال ساختمان سوسیالیسم، دفاع از مبارزات انقلابی کارگران کشورهای امپریالیستی، ضمن مرزبندی قاطع با هرگونه گرایشات و جریانهای انحرافی و ریزیو- نیستی جهت شکل راست و چپ از نوع "چپ" بکار خواهیم برد. در این شرایط که رژیم جمهوری اسلامی در اثر مبارزات کارگران و زحمتکشان از یک

سوی ورشددتهاهای درونی خود که حتی منجر به انحلال تنها حزب حاکم گردید از سوی دیگر، هرچه بیشتر در سراسری سقوط قرار گرفته است و نیروهای سیاسی گوناگون از طیف بورژواهای مجاهد گرفته تا اپورتونیستهای ضد انقلابی، توده ای- اکثریتی هرچه بیشتر در انظار خلقهای تحت ستم ایران افشا و بی اعتبار گردیده اند. تئوریهای رنگارنگ و فرمیستهای درون جنبش کارگری نیز نتوانسته کار به جایی ببرد. "جهان" به مانند سابق به موازات مبارزه - ای قاطع بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بمثابه وظیفه اصلی خویش، بر علیه تمامی جریانات ضد انقلابی، رفرمیست، سانتریستی، مبارزه ای قاطع را جهت افشای این نیروها و مرزبندی قاطع با آنها ادامه خواهد داد.

بدیهی است جامعه عمل پوشاندن به این وظایف تنها در چارچوب خط و برنامه انقلابی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بعنوان اصولی ترین خط مارکسیست - لنینیستی در جهت گسستن زنجیرهای سرمایه و رهایی انسان و ساختن جامعه ای نوین عاری از استثمار یعنی سوسیالیسم و نهایتاً کمونیسم خواهد بود. ◀ ص ۳۱

اطلاعیه



هیئت تحریریه "صدای فدائی" پیرامون آغاز مجدد برنامه های "صدای فدایی"

اطلاعیه هیئت تحریریه "صدای فدائی" پیرامون آغاز مجدد برنامه های "صدای فدائی"

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی ناگزیر برای بقای حکومت مستبدانه خود به منظور تامین منافع سرمایه داران، وسیادت طبقاتی بورژوازی حاکم تلاش دارد با زور سرنیزه، سرکوب و فریب توده ها را تداوم بخشد، بویژه به هنگامیکه نفرت عمومی کارگران و زحمتکشان ایران که بیشترین بار فشار اقتصادی بردوش آنها قرار گرفته است و بیش از هر وقت دیگری نیاز به شکل طبقاتی دارند، دشمنان پنهان و آشکار طبقه کارگر از هرجهت حملات و ضربات کینه توزانه خود را درواکنش به تداوم سیاست دفاع راستین از منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان ایران و سازمان رزمندگان ابراز نموده اند، بیهوده نیست که از بدو روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران از یک طرف همواره موردتهاجم وحشیانه مرتجعین حاکم بر ایران قرار گرفته است و از سوی دیگر، سرسپردگان به امپریالیسم، سازمانهای بورژوازی و ضدانقلاب امثال سازمان مجاهدین خلق و جریانات رفرمیست و دیگر عوامل آنان مداوما حملات زهراگین خود را متوجه سازمان ما نموده اند.

برای دومین بار طی دو سال گذشته سازمان ما از جانب اپورتونیسیم راست مورد تهدید درونی واقع می شود و هر بار بدخواهان سازمان به زعم خود "تضعیف" و یا "نا توانسی" سازمان را در حل مسائل درونی خود پیشگوئی کرده اند؟ برای دومین بار در اثر ضرباتی که اپورتونیسیم راست بر سازمان وارد می آورد، بخش برنامه های "صدای فدائی" این بانگسای کارگران و فریاد پر خروش زحمتکشان برای مدت کوتاهی دجا روقفه می شود و هر بار سازمان توانسته است سرفرازان، پست سرگذا ردن تمامی نیرنگ

ها و دسیسه هایی که از جانب اپورتونیسیتها در خدمت به بورژوازی صورت می گیرد، با تحمل مصائب ناشی از آن و با صلابت تمام به راه پرافتخار خود ادامه دهد. این بار، به هنگامیکه اپورتونیسیم راست خارج کردن حزب توده و اکثریتی های ضد انقلاب را از "بایکوت سیاسی" محمل نزدیکی و زمینه ساز اتحاد عملهای آینده با این طیف قرار داده بود، نتوانست در روند مبارزه ایدئولوژیک در سازمان تاب و تحمل بیاورد. "توکل" یکی از اعضای مستعفی مرکزیت که در سازمان بدفاع از طیف خائنین توده ای - اکثریتی برخاسته بود، پس از اینکه ماهیت نظراتش از جانب توده تشکیلات افشاء گردید، ابتدا از شرکت در دومین کنگره سازمان که در آستانه برگزاری آن بودیم خودداری کرد و پس از آن با اعلام استعفا از مرکزیت سازمان، تلاش بیهوده ای را بکار گرفت تا بخیال خود سازمان را در چنین

شرایط حساس و سرنوشت سازی دچار بن بست و بلاتکلیفی نماید. هنگامیکه وی در مقابل اراده قاطع رفقای سازمان مبنی بر اجرای اصول و ضوابط تشکیلاتی قرار گرفت و متوجه شد هیچگونه توطئه ای نمی تواند سازمان را از ادامه خط مشی انقلابی و سیاستهای تعیین شده بازدارد، دست به ایجاد هرج و مرج و بیه وجود آوردن تشکیلاتی درون تشکیلات سازمان برای خود زد. در ادامه همین اعمال آنا رشیستی بود که مکرراً به بخشهای دیگر تشکیلات خود سرانه دخالت نمود.

سرانجام "توکل" انتقام ناکامیها و ورشکستگی سیاسی-ایدئولوژیک خود را با دست زدن به اعمال ضد تشکیلاتی که ریشه در منافع گروهی و فراکسیونی ناحیز خود داشت از "صدای فدائی" گرفت. هنگامی که اپورتونیسمر است در یک پروسه مبارزه ایدئولوژیک نتوانست به دفاع نظری بپردازد، دیگر مجال تعمق و تعقل پیرامون مسائل میزم جنبش از وی سلب شد، اعمالی که نه از روی حفظ اصول و پرنسیپهای انقلابی بلکه از روی غضب و کینه ورزیهای غیر انقلابی و به دور از انگیزه های مبارزه طبقاتی صورت گرفت، به این دلیل در ادامه اعمال و رفتار ضد تشکیلاتی "توکل"

در تاریخ ۶ خرداد ماه ۱۳۶۶ "صدای فدائی" بطور موقت تعطیل شد، و پس از آن وی از جانب کمیته مرکزی سازمان اخراج شد. مانع از "توکل" و اطرافیان اندک و بد نهادش و نه از همه آنها که به آرمان طبقه کارگر پشت می کنند و سرانجام بیداری خود را در وجدان ناپاک، رفرمیسم و خدمت به حربانات بورژوا - رفرمیست می یابند، جز انحطاط سیاسی - معنوی انتظاری نداریم. در حقیقت رفرمیسم امروز خدمتگزاران با وفای خود را در وجودا مثال "توکل"ها با زیافته است و ما وظیفه مندیم چهره واقعی آنان را به جنبش انقلابی معرفی نمائیم.

اما برای اینکه از اشتباهات و نابسامانیهای احتمالی و نامعقول آینده جلوگیری کنیم، الزاماً باید با تعمق بیشتری شرایط و موقعیتی را که بویژه بعد از قیام ۵۷ موجب نفوذ عناصر خرده بورژوا و ایدئولوژیهای غیر پرولتری در سازمان شده بود را بحای خود مورد توجه قرار دهیم، تا بتوانیم حال را آنطور که هست بررسی نموده و از آینده تصویر روشن تری ارائه دهیم. در این صورت می توانیم ادعا کنیم که در روند مبارزه طبقاتی به طرد و زوال کدام عناصر فرتوت یاری

نموده ایم، آنها را از نشوونما باز داشته ایم و پدیده های اجتماعی را آنطور که عینیت دارد بازشناخته ایم و به طور مشخص تعیین نمائیم پایه کار و فعالیت خود را در عمل روی کدامیک از طبقات اجتماعی نهاده ایم. طبقه ایکه روبه رشد و بالنده است، اگر چه امروز دچار ضعف آگاهی و تشکیلاتی باشد، مثل طبقه کارگر، و یا سایر طبقات و اقشار اجتماعی که در تاریخ در روند تکامل اجتماعی، جایگزینی آنها را با طبقات و اقشار پیشروا معه فراهم نموده است.

ما با افتخار اعلام می - داریم سالهاست که فعالیت سازمان در بین طبقه کارگر و سایر اقشار زحمتکش حریبان دارد. ما اشتباه نکردیم که از ابتدا فعالیت انقلابی خود را متوجه طبقه کارگر این طبقه بالنده و انقلابی متمرکز نموده ایم. ما تلاش خواهیم نمود با استفاده از تجربه گذشته نسبت به ضعفها و کاستی هایمان با تمام توان در جهت سازماندهی مستقل پرولتاریا بیش از پیش گامهای استوار و سنجیده ای برداریم تا بتوانیم نه فقط نقش پیشا هنگی سازمان در جنبش انقلابی را حفظ نما - ئیم، بلکه در راستای طرح برنامه حزب کمونیست بتوانیم در جهت تشکیل حزب

حقیقی طبقه‌کا رگرنقش خود را ایفا نمائیم.

ما باید جراحات وارده به پیکر تشکیلات را در سالهای گذشته مداوا کنیم؛ باید به ترمیم بخشهای ضربه‌خورده تشکیلات پرداخت و همه این تحولات باید در شرایط بسیار دشواری انجام پذیرد، در شرایطی که سازمان از یک طرف از سوی رژیم جمهوری اسلامی زیر ضرب قرار دارد، و از سوی دیگر از جانب طیف گسترده‌ای از عوامل داخلی بورژوازی، رفرمیستها رفیقان نیمه‌راه و... مورد حمله قرار گرفته است.

ما با افتخار اعلام می‌داریم علیرغم تمام ضربات پورتونیستها و تزلزلات رفیقان نیمه‌راه پرچم پر افتخار سازمان حریکهای فدائی خلق را برافراشته نگه داشته‌ایم. نه ضربات متعددی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی بر سازمان وارد شده و نه ضربات درونی از جانب پورتونیستها این تشکیلات را هیچگونه ضربه‌ای نتوانست از پای درآورد و نا بود سازد. برنامه انقلابی سازمان با پشتکار و جدیت ادامه خواهد یافت و برای مبارزه بی‌امان علیه امپریا-لیسم جهانی بسرکردگی امپریا لیسم آمریکا و پایگاه داخلی برای براندازی رژیم

جنایتکار جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و هموار کردن حاکمیت طبقه‌کا رگر، این طبقه‌تابه آخر انقلابی‌کا مبرخواهیم داشت.

"صدای فدائی" بار دیگر با تلاش شانه‌روزی تمام رفقای رزمنده فدائی فعالیت خود را مجدداً از سر گرفته است و در پرتو اندیشه مارکسیسم-لنینیسم و اعلام وفاداری نسبت به خط مشی انقلابی سازمان و تحدید عهد با کلیه رفقای فدائی بویژه شهدای بخون تپیده سازمان فعالیت انقلابی خود را آغاز نموده است.

مرگ برامپریا لیسم جهانی به سرکردگی امپریا لیسم آمریکا و پایگاه داخلی

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

مرگ بر سازشکاران و عوام‌فریبان زنده باد سوسیالیسم

هیئت تحریریه "صدای فدائی"

۱۵ تیر ماه ۱۳۶۶

بقیه حمید اشرف

خودنیز می‌افزایند.

یادش گرامی و راهش پررhubاد

(به نقل از ریگای گل ۱۹)

ادامه مصوبات

پشتیبانی از کشورهای که داخل بلوکهای تجاوزگر نمی‌شوند، استقبال از کلیه نیروهای طرفدار حفظ صلح.

- بسط و استحکام روابط بسط دوستانه با فنلاند، اتریش، سوئد و سایر کشورهای بی‌طرف.
- ادامه سیاست فعال بهیود مداوم روابط با آمریکا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی، ژاپن و سایر کشورهای همسایه، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان همراه با تلاش در جهت تحکیم اعتماد دو جانبه، گسترش روابط اقتصادی و برخورد و همکاری در زمینه فرهنگ و علوم.

- گسترش و تحکیم روابط برادرانه خلق شوروی با کارگران سایر کشورها.

- هشیارانه دنبال کردن اعمال محافلی که نفعی در تشنج زدایی بین المللی دارند و افشای اعمال مخرب دشمنان صلح، در فرصت مناسب بعمل آوردن اقدامات لازم جهت افزایش ظرفیت دفاعی دولت سوسیالیستی شوروی، حفظ "دفاع ملی" شوروی در سطح تکنیک و علوم نظامی مدرن و تضمین امنیت میهن.

ادامه دارد

(1) situation de force

(2) travailleurs-
intellectuels

اطلاعیه

هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - سیستان و بلوچستان (بامی استار)

جدایی و انشعاب بصورت اهرمی با زدارنده جهت پیشرفت و گسترش و تعمیق انقلاب منحصر شده است، ما شاهد تغییر و تحولات و سپس جدایی در درون تنها سازمان رزمنده پیکارجوی پرولتری، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستیم. سازمانی که طی هفده سال حیات پرافتخارش یک دم از مبارزه انقلابی و سرخسختانه علیه ارتجاع و امپریالیسم و اپورتونیزم از پای ننشسته و پرچم سرخ رزم پرولتاریا را در سخت ترین شرایط مبارزاتی با افتخار تمام در اهتزاز نگاه داشته است.

سازمان از بدو تشکیل تا به امروز در مقاطع معینی بحرانهای سخت و شکننده را ایستاده و در هرگاه خود را از پیرایه های غیر مارکسیستی و آلودگیهای ناشی از آن پالایش داده و صفوف خود را متحدتر و پاکیزه تر از قبل در پیکار حاد طبقاتی حفظ کرده است. اما میبایست تا رسیدن به اراده واحد و مردمی و وحدت سیاسی-ایدئولوژیک و تشکیلاتی از تنگناها و کوره راهها و مشکلات زیادی عبور می کرد.

در چنین شرایط سخت و دشوار از مبارزه طبقاتی، ما شاهد هستیم توکل یکی از رهبران سازمان از خط و مشی

ذاتی این رژیم سرمایه داری و خون آشام است، در شرایطی که زندانها و سیاهالهای قرون وسطایی حاکمیت اسلامی از کمونیستها و انقلابیون انباشته شده و هزاران نفر تا بحال به جوخه اعدام سپرده شده اند، در شرایطی که تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر بمشابه پیشاهنگ طبقه و انقلاب نوین ایران و رهبری و هدایت و سازماندهی توده ها در پیکار طبقاتی جاری مبرمترین و عاجلترین وظیفه کمونیستها و کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود است، در حالیکه باید صفوف رزمنده و متحد و یکپارچه نیروهای کمونیست و انقلابی در پیکاری سرنوشت ساز و خطیر علیه ارتجاع حاکم روزه روز حاکمیت را به عقب نشینی و سپس مرگ مختوم و تاریخیش سوق دهد، آری، در چنین شرایط حساس و بغرنجی که پراکندگی، تفرقه سیاسی-ایدئولوژیک، بیاس و انفعال،

در شرایطی که کشاکش انقلاب و ضد انقلاب همچنان ادامه دارد، دردورانی که رژیم ورشکسته و تبهکار و فاشیست جمهوری اسلامی غرقه در سخت ترین و شکننده ترین بحران های مزمین حاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی فرو رفته، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان میهنمان در سخت ترین شرایط اقتصادی و سیاسی و معیشتی قرار دارند، در شرایطی که خیزش قهرآمیز توده ها علیه نظم ارتجاعی و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم بعثت مجموعه شرایط حاکم بر جامعه محتمل است، دردورانی که جنگ ارتجاعی نکبت بار و خانمانسوز همچنان ادامه دارد و هر روز توده های بیشتری را به مسلخ بورژوازی می کشاند و ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی و ضد انقلابی آن بیش از پیش در انظار توده ها افشا شده و توده ها در می یابند که جنگ، سرکوب، ویرانی، کشتار و مرگ

انقلابی پرولتری سازمان
 عدول می‌کند و به یکباره خط
 بطلانی بر تمام مبارزات
 خونبار سازمان علیه اپورتو-
 نیسم، رفرمیسم و رویزیونیسم
 می‌کشد. رویزیونیستهای خائنی
 که دستیار جلادان حاکم بوده،
 در سرکوب انقلاب و طبقه کارگر
 متحد با لفظ ارتجاع بوده و
 مهلک ترین ضربات را بر پیکر
 جنبش کمونیستی و جنبش عمومی
 توده‌ای وارد آورده‌اند. توکل
 پس از انتشار نشریه کار ۲۰۵ و
 تکامل بخشیدن به نظریه‌های
 جدیدش در نشریه کار ۲۱۰، بها
 طرح نقطه نظرات جدید در مورد
 گروه‌بندی‌های سیاسی با مسئله
 اتحاد و ائتلاف، با عدول از خط
 و مشی پرولتری سازمان و
 مصوبات کنگره اول و پلنوم در
 مورد ماهیت ضد انقلابی حزب
 توده و اکثریت و تطهیر آنان،
 چشم اندازی را تصویر می‌کند که
 در نهایت اتحاد و ائتلاف و
 همکاری با این کانون ضد
 انقلابی را پیش روی گشوده
 است. دستیابی به نقطه نظراتی
 مبنی بر عدم با یکوت سیاسی
 حزب توده و اکثریتی‌های رسوا
 و ضد انقلاب از طرف توکل
 گفتگویی است که سمت گیری
 سیاستهای فرصت طلبانه و
 اپورتونیستی وی را مبنی بر
 نزدیکی و اتحاد عمل با آنها
 نشان می‌دهد. سیاستی که در

تداوم خود تمامی فداکارها و
 جانبازی رفقای قهرمان فدائی
 را در مبارزه علیه این دشمنان
 آشتی ناپذیر طبقه کارگر و
 مارکسیسم بر باد می‌دهد. در چنین
 شرایطی توأم شدن اختلافات
 سیاسی - ایدئولوژیک با
 مسائل تشکیلاتی بحران عمیقی
 را در سازمان بوجود می‌آورد.
 توکل بحای عمل به سنتهای
 تثبیت شده کمونیستی و بها
 الهام از رهنمودهای بنیان -
 گذاران مارکسیسم که در چنین
 مواقع بحرانی و متلاطم در
 جهت تشکیل کنگره تلاش می -
 ورزند تا نقطه نظرات، دیدگاه
 های مختلف و اختلافات در
 آنجا بحث و بررسی شده و سپس
 در مورد انشعاب و جدایی
 تصمیم گیری شود، بدون ضوابط
 و رعایت پرنسیپهای کمونیستی
 از زیر بار مسئولیت سنگین
 جوابگوئی به کارنامۀ خود
 طفره رفته و عملاً با تن ندادن
 به اراده توده‌های تشکیلات
 الزاماً به انشعاب و جدایی
 دامن زده است. فقــدان
 سازماندهی لنینی و عدم رشد
 و استحکام و طلاوت تشکیلات و
 اتخاذ سیاستهای فراکسیو-
 نیستی و انحلال طلبانه از
 جانب وی، منجر به ضربات سنگین
 و ضایعات حیران ناپذیری بر
 بدنه تشکیلات و کل سازمان شده
 است. ضربه‌ای سنگین که در

چنین شرایط بحرانی حاکم بر
 جامعه، از توان و پتانسیل
 مبارزاتی سازمان کاسته و
 دشمنان رنگارنگ سازمان و
 بورژوازی حاکم و اپوزیسیون
 را خوشحال و شادمان کرده
 است.

ما هواداران سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران
 (با می‌استار)، در چنین شرایط
 حساس و بحرانی، با توجه به
 تداوم وظایف انقلابی مان در
 منطقه و احساس مسئولیت سنگین
 در قبال جنبش طبقه کارگر و
 جنبش انقلابی ملیتهای تحت
 ستم ایران منجمد خلق دلیر
 بلوچ، با صراحت کمونیستی،
 عدول توکل از مواضع کمونیستی
 و انقلابی سازمان و نزدیکی به
 جریان ضد انقلابی توده‌ای -
 اکثریتی را محکوم و اتخاذ
 چنین سیاستهای پراگماتیستی
 را مغایر با خط و مشی، ایدئو-
 لوژی، اهداف، برنامه،
 استراتژی و تاکتیکهای
 پرولتری سازمان می‌دانیم.
 ما ایمان داریم که
 پرچم سرخ ویرافتار سازمان
 که آغشته بخون هزاران فدائی
 دلاور و قهرمان است، دمی از
 اهتزاز نمانده و ما در این راه
 سخت، پرشکوه و سترگ با ایمانی
 راسخ و عزمی پولادین جهت
 تحقق آرمانهای مقدس و والای

رفقای شهیدمان که همانا کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم است، لحظه‌ای از پای ننشینیم.

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (بامی استار) همچون گذشته آگاهانه، مسئول و متعهد، با حمایت و جانبداری از خط و مشی انقلابی و پرولتری سازمان و با تحدید عهد و میثاقی استوار حمایت اکید خود را از تداوم حیات رزمنده و پویای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بامی پرولتری آن درنبرد بی‌وقفه، سرخستانه و بی‌امان علیه امپریالیسم، ارتجاع و اپورتونیسم در تمام اشکالش بابتک رسا و فریاد پرطنین اعلام می‌داریم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و بیابگاه داخلی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم در اهتزاز باد پرچم پرافتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیستان و بلوچستان (بامی استار)

۱۳۶۶/۳/۲۵

بقیه پارلمان....

"دادگاه تاریخ" نیست. با این وجود این قطعاً مه‌نیم - بند که هیچگونه حقی را برای ارامنه به رسمیت نمی‌شناسد مورد اعتراض دولت ارتجاعی ترکیه قرار گرفت و اورن رئیس جمهور ترکیه با بیشرمی تمام اعلام نمود که "تعدادی از کشور - های متحد برای دادن در پارلمان اروپا به قطعاً مه‌ای در مورد به اصطلاح قتل عام ارامنه و بی‌عدالتیهای ادعائی که در ترکیه به اقلیت کرد روا داشته شده، از جنبش‌های تروریستی حمایت می‌کنند".

رئیس جمهور مرتجع ترکیه زمانی این سخنان را به زبان می‌آورد که دولت وابسته اش تاکنون هیچگونه حقی را برای ارامنه به رسمیت نشناخته و فشار بر روی ارامنه و سرکوب خلق کرد، با شدت بیشتری ادامه دارد. تن‌آدری درگیری‌های اخیر در دهکده "مارون" که منجر به کشته شدن بیش از ۳۰ تن گردید، یا نزده هزار تن از واحدهای جترباز و هوای تیر و زتحت پوشش هلیکوپترهای ارتش برای تعقیب مبارزین کرده‌ایان منطقه اعزام شده‌اند.

از دو سال پیش بر سر تصویب قطعاً مه‌ای در مورد "یک راه حل سیاسی مسئله ارامنه" اختلافاتی در پارلمان اروپا وجود داشت. "کمونیست" ها و "سوسیالیست" های اروپایی به نفع نظریه قتل عام رای داده، در حالی که "سوسیالیست" های آلمانی از فرمول بندی‌ای پشتیبانی می‌نمودند که در آن از "بی‌عدالتی" سخن رود. لیبرالها، محافظه‌کاران و دمکرات مسیحیها، اکثر از شرکت در بحث و رای گیری خودداری نموده و اعتقاد داشتند پارلمان اروپا

* * *

انترناسیونالیسم پرولتری یا تطهیر ضد انقلابیون توده‌ای - اکثریتی

در تاریخ ۶/۳/۶۶ کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی خلق ایران طی اطلاعیه - ای یکی از اعضای مستعفی خود را با نام توکل به دلائل روابط فراتشکیلاتی و دخالت در امور بخشهای دیگر تشکیلات، از سازمان اخراج نمود.

در پی انتشار کار ۲۰۵ و مقاله متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی خط جدیدی در برخورد به مسئله اردوگاه مطرح گردید که با اعتراض وسیع اعضا و هواداران سازمان روبرو گشت. نویسنده مقاله که - اتحاد و دفاع قاطع در همه جا را بحای اتحاد و انتقاد یعنی سیاست سازمان نسبت به اردوگاه می‌نشانند و با اصرار بر این مواضع سعی در قبول اندن آنها بعنوان نقطه نظرات سازمان را داشته و هرگونه مخالفت با آن را کمونیسم - ستیز و ... دانسته و در جواب به کمیته خارج از کشور، اوج سکتاریسم خود را به نمایش گذاشت. نقطه نظرات سازمان نسبت به اردوگاه سوسیالیسم به روشنی در مصوبات کنگره اول سازمان بیان شده است.

اما پورتونیسم را اگر از در بیرون کنی، از پنجره وارد می‌شود و این بار توکل می‌خواهد از ورای اردوگاه به داخل رسیده و این اتحاد و دفاع قاطع در همه جا بیش را از حالت تئوری در پهنه ایران، به "عمل" درآورد، این بار پورتونیسم راست از در بچه اردوگاه، و در ربط با مسائل داخلی اتحاد عملها را با نیروهای مد نظر دارد که سالهاست کوس رسوایی آنها در هرکوی و برزن زده شده است و در همدستی با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از هیچ جنایتی بر علیه کارگران و زحمتکشان ایران دریغ نورزیده اند.

بی‌جهت نیست که در سرمقاله کار ۲۰۵ "در پشت حناهای تبلیغاتی علیه "اقلیت" کدام انگیزه‌ها ... "، گروه ضد انقلابی کشتگر در کنار راه کارگر بعنوان "توده‌ایهای شرمگین" گذاشته می‌شود و عملاً در حبه انقلاب ارزیابی می‌گردد. بی‌جهت نیست که تقدم و تاخر متحدین پرولتاریا در عرصه بین المللی مصوبه کنگره اول سازمان به یکباره در کار ۲۰۵ جا بجا می - گردد. و بی‌جهت نیست که

اکثریتی های نگهدار، در اطلاعیه خود در تاریخ کار ۲۰۵ می‌گویند: "نشریه ارگان مرکزی اقلیت شماره ۲۰۵ به هواداران خود به درستی رهنمود می‌دهد" و بی‌جهت نیست که چنانچه این احزاب و سازمانها آشکارا به خیانتهای خود و همدستی با جمهوری اسلامی اعتراف کنند ما موظفیم در عرصه سیاسی برخورد متفاوتی با آنها داشته باشیم. " (اختلافات اساسی کدام است - توکل)

لنین سالها پیش در باره مصالحه‌هایی که به خیانت می‌انجامد، نوشت: "سیاست - مداری که می‌خواهد برای پرولتاریای انقلابی مفید باشد، باید بتواند موارد مشخص این قبیل مصالحه‌ها را که حایز نیستند و پورتونیسم و خیانت را منعکس می‌سازند، تمیز دهد و تمام نیروی انتقاد و تمام تیزی افشاگری بی‌امان و جنگ‌آشتی ناپذیر خود را علیه این مصالحه‌های مشخص متوجه

سازد و احازنه دهکده سوسیا -
 لیستهای پرتجربه "کارکشته"
 و ژوئیه‌های پارلمان نشین
 با دلیل تراشی دربار -
 "مصالحه بطور اعم" از زیر بار
 مسئولیت شانه خالی کنند و
 ظفره روند. حضرات "رهبران"
 تردیونیونیه در انگلستان و
 نیز جمعیت فابیان ها و حزب
 "مستقل" کارگرها تا با همین
 شیوه از زیر بار مسئولیت
 خیانتی که مرتکب شده اند
 یعنی از زیر بار مسئولیت تن
 در دادن به آنچنان مصالحه‌ای
 که معنای واقعی بدترین
 اپورتونیزم و خیانت و عذر
 است، شانه خالی می‌کنند."
 (لنین - بیماری کودکانه
 "چپ روی" در کمونیسم)

حال از زیر ضرب خارج
 کردن ضد انقلابیون توده‌ای -
 اکثریتی با این حرف که "اما
 چنانچه این احزاب و سازمانها
 آشکارا به خیانت‌های خود و
 همدستی با جمهوری اسلامی
 اعتراف کنند، ما موظفیم در
 عرصه سیاسی برخورد متفاوتی
 با آنها داشته باشیم" چه چیزی
 است جز جراغ سیزی جهت
 "آنچنان مصالحه‌ای که معنای
 واقعی بدترین اپورتو
 - نیسم و خیانت" است و یا با
 رفرمیستهای راه کارگری که
 بیگانگی با اهداف و منافع
 طبقه کارگر و سازماندهی مستقل

آن از سر پای برنام -
 رفرمیستی آنها می‌بارد، چه
 چیزی حقیقت کردن به مبارزات
 انقلابی کارگران و زحمتکشان.
 معنی می‌دهد.

لنینیسم به ما می‌آموزد
 "آنچه که در مورد مسائل عملی
 مربوط به سیاست هر لحظه
 تاریخی معین یا خاص مهم است
 این است که انسان بتواند
 مسائلی را که در آنها عمده -
 ترین نوع مصالحه‌های غیر
 محاذ و خائنه متحلی می‌گردد
 که مظهر اپورتونیستی است که
 برای طبقه انقلابی هلاکت بار
 است، تشخیص دهد و تمام سعی
 خود را متوجه روشن ساختن آنها
 و مبارزه علیه آنها سازد" و ما
 بعنوان مدافعین طبقه کارگر
 و از زاویه منافع این طبقه
 مدافع منافع عموم زحمتکشان
 جامعه، وظیفه خود می‌دانیم تا
 اینگونه مصالحه‌های خیانت -
 آمیز را در انظار طبقه کارگر
 ایران و توده‌های مردم افشا
 نموده و با فشاری بر مواضع
 انقلابی سازمان چریک‌های
 فدائی خلق ایران اپورتونیسم
 را در هر حال، چه در لباس
 راست و چه در قالب "چپ" آن با
 تمامی شعارهای بظا هر چه
 ولی عمیقاً راست آن، افشا
 نمائیم. چه معتقدیم اپورتونیسم
 در هر شکل آن، رسالتی جز ضربه
 زدن به جنبش طبقه کارگر

نداشته و نخواهد داشت.
 بهر حال، پس از اپورتو
 - نیستهای "چپ"، اکثریتی -
 ها، تروتسکیست‌ها و... اپورتو
 - نیسم راست این دشمنان
 جنبش کارگری و سازماندهی
 مستقل آن، این بار به این
 شکل خط خود را از خط انقلابی
 سازمان چریک‌های فدایی خلق
 ایران جدا ساخت. اما چه بآک
 که بقول رفیق استالین "در
 هر تندپیم تاریخ یک‌کسی از
 دوستان از ما جدا می‌شود" و این
 بار، تندپیم اتحاد عمل‌ها این
 این را باعث گردید □

بقیه چند خبر را حه
 دوستان او جریان را ب -
 مقامات UN اطلاع می‌دهند،
 اما مسئول UN اظهار می‌دارد
 که ما انجام هیچ عملی را در
 این زمینه ممکن نمی‌دانیم و
 تنها می‌توانیم برای وی دعا
 کنیم.

مرگ سه پناهنده

سه تن از پناهندگان
 رسمی بعثت بی‌توجهی‌های
 مسئولان UN پاکستان و دستگاه
 مشاورتی YTECH (YMCA) بعثت،
 ابتلاء به بیماری یرقان در بهار
 ۱۳۶۶، درگذشتند.

یک آواره ایرانی به
 علت عدم پذیرش پناهندگی اش
 از جانب UN شعبه کراچی دست
 به خودکشی زد و درگذشت. □

مروری بر اوضاع ترکیه پس از کودتا

ایزارپوسیده تمام می دیکتاتور-

ها و از سوی دیگر با توسل به

نیرنگهایی عوام فریبا نسه

بسیار و از سوی دیگر با وعده

و وعید و فرم سعی در نجات موقت

خویش دارد. برآستی که جنگ

ارتجاعی ایران و عراق که

برای خمینی و رژیمش بقای

موقت و برای امپریالیستها

"خیرات" و "میرات" آفرید.

برای رژیم ترکیه این پایگاه

امپریالیسم آمریکا در منطقه

بمثابه درجه رحمتی بود که

تنور آتش و خون رژیم جمهوری

اسلامی ایران، بی دریغانه به

رویش گشوده است. به حرات می

- توان ادعا نمود که ترکیه به

عنوان چشم و چراغ امپریالیسم

جهانی و ارتجاع منطقه در

چنین موقعیت حساس و ویژه ای

بدون نقش رژیم جمهوری اسلامی

ایران و بدون جنگ ارتجاعی

ایران و عراق حتی برای چند

ماهی هم قادر به ادامه بیداد-

گریهای خویش نبوده و نخواهد

بود.

رژیم ترکیه در پی کودتای

نظامی سپتامبر ۱۹۸۰ تاکنون

با توسل به سیاست سرکوب و

فریب و با سودجویی از بازار

هرج و مرج منطقه ای توانسته

چند صاچی منافع استثمارگران

را تامین کند. اما امروز پس از

قریب به ۷ سال اعمال حکومت

نظامی و توسل به کاریکاتور-

"دیاریکو"، "آنکارا" (زندندان

مامک)، "استانبول"، "آدانا"

و دیگر شهرها بیش از صد ها هزار

زندانی کمونیست و انقلابی را

در خود سخت می فشارند. حاسوس-

های "میت" این هم شاگردی -

های "ساواک" و "موساد" و

قداره بر گردنهای "سیا"

ولگردانه تا عمق زندگی توده

- ها دخالت می کنند. فقر و

بیکاری شدید و روز افزون، بی-

خانمانی و سرگردانی و بیماری

ومرگ و میرو فلاکت فزاینده در

میان کارگران و زحمتکشان

شهر و ده تحت زنجیره ستم نظم

سرما به داری زیر چکمه های

حکومت نظامی اسلامیزه شده ای

که بر سر نیزه خون آلود خود

اتكاء دارد سیمای ترکیه

امروزی است. بحرانی را

سبب گشته اند که برون رفت از

آن را برای رژیم غیر ممکن

گردانیده اند. رژیمهای وابسته

عموما بدون اعمال دیکتاتوری

و سرکوب عریان هرگز قادر به

حفظ و کنترل سیستم نیستند.

از سویی تاریخ به روشنی گواه

آن است که هرگز سر نیزه تکیه

گاه موثر و قابل اتکایی نبوده

است و دیر یا زود بالاچاره

بی تردید بر پهلوی جلادان فرو

خواهد رفت. در حال حاضر رژیم

ترکیه از سویی با تکیه بر همین

امروزه رژیم وابسته به

امپریالیسم ترکیه بیش از

پیش در تنگنای بحران

اقتصادی و سیاسی گرفتار

آمده است. وابستگی همه -

جانبه و عمیق اقتصادی -

سیاسی ترکیه و سرسپردگی

تمام عیار رژیم حاکم به

امپریالیسم آمریکا، ضرورت

اعمال سیاستهای ضد خلقی،

در داخل و در ابعاد منطقه ای و

وبین المللی دیکته شده از

سوی آمریکا، و احواله نقش

ژاندارمی منطقه و نقش استرا

- تژیکی آن ترکیه را ز نظر سیاسی

جغرافیائی برای امپریالیسم

جهانی از آنچنان اهمیتی

بر خوردار نموده است که

امروزه این کشور بعنوان یکی از

مهمترین پایگاههای نظامی

پیمان ناتو درآمده است و

علاوه بر استقرار انواع و

اقسام سلاحهای مخرب، برنامه

- ریزی جهت استقرار سلاحهای

هسته ای در دستور کار قرار

گرفته است به نحوی که ترکیه

امروزی چهره یک پادگان نظامی

را بخود گرفته است. کارگران

و زحمتکشان در شهر و روستا و

خلق کرد تحت شدیدترین و

وحشیانه ترین استثمار و ستم

طبقاتی قرار گرفته اند.

زندانیها و شکنجه گاههای

هایی بنا می‌پارلمان بورژوازی اجزای ارتجاعی و غیره در این چندساله اخیر، رژیم در مانده از مهار و کنترل بحران، هراسناک از اعتلاء انقلابی سخت به تکاپو افتاده است. بحران موجود در خدای سطحی، غیر مترقبه و یا گذرا نیست، بلکه خود ویژه سیستم‌های وابسته به امپریالیسم و ذاتی مناسبات سرمایه داری است. این بحران ادامه همان بحرانی است که کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ را آفرید و خود زنجیره ایست از بحران مزمن و عمیق بحران سرمایه داری جهانی. کودتای بحران

"قرارهای ۲۴ ژانویه" بحران اقتصادی - سیاسی ۱۹۷۹ به آنچنان ژرفایی رسیده بود که فروپاشی سیستم وابسته را هر آینه محتمل تر و نزدیکتر گردانیده بود. اعتراضات و تظاهرات کارگری - توده‌ای در ابعاد سراسری و ج گرفته بود و ترکیه در شرایط انقلابی بسر می‌برد. شکاف در میان جناح‌های مختلف بورژوازی در چگونگی حل بحران، پیریشانی و درماندگی بورژوازی را به نمایش گذاشته بود. جناح‌ها هر کدام راه حل موقت و اضطراری خویش را ادامه می‌دادند تا شاید از سقوط واضح محال

حاکمیت طبقه‌ای خویش جلو - گیری کنند. اما بحران هر لحظه عمیق تر می‌گشت و بورژوازی و مانده - تراز قبل مرگ خویش را نظاره گر بود. سیستم در سراسیمگی سقوط قرار گرفته بود، در این شرایط ویژه، "سلیمان دمیرل" رئیس دولت قبل از کودتا و رهبر حزب بورژوایی "عدالت" راه حل موقت - خود را که به "قرارهای ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰" معروف شد بعنوان راهگشای موقت ارائه داد. این برنامه بطور خلاصه تشدید روند "منععی نمودن اقتصاد" را به عنوان استراتژی و تنها راه حل موجود در دستور روز قرار می‌داد. اما عمق بحران بگونه‌ای دیگر بود و از این راه‌های کوتاه مدت معجزه‌ای بر نمی‌خاست، سیستم در حال فروپاشی قرار گرفته بود، اما طبقه کارگر فاقد انسجام و اتحاد و تشکیلات لازم جهت تامین رهبری انقلابی خویش بر جنبش انقلابی و پر - شکوه و اوج یا بنده موجود بود. جنبش کمونیستی پراکنده و فاقد برنامه انقلابی، متشتت و سردرگم و افتان و خیزان در پی جنبش کارگری - توده‌ای گام بر می‌داشت و طبقه کارگر در نبود پیشاهنگ انقلابی در نبردی جانانه از شرف طبقه‌ای خویش و توده‌های زحمتکش

شکوه مندان دفاع می نمود و قربانی می‌داد. امپریالیسم و ارتجاع نیز قوای خویش را به نبردی سرنوشت ساز فرا می - خواندند. خونتای نظامی راه چاره‌ای بود که مرگ نظام را با تنفسی مصنوعی چند صبحی به تعویق می‌انداخت و بدینسان بود که ژنرال‌ها با اعلام حکومت نظامی آخرین باری کاردهای کارگران انقلابی را دراز میرباتانگ به اشغال خود درآوردند. ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ ارتش به رهبری "کنعان اورن" فرمانده و ژنرال نیروی زمینی قدرت را بدست گرفت و در سرتا سرتا ترکیه حکومت نظامی اعلام گردید و ترکیه طبق یک سنت دوره‌ای سابقه دار (۲) بار دیگر زیر حمله نظامیان تاندان مسلح موقتاً از جوش فرو افتاد، قانون حکومت نظامی حاکم گردید و زندانها از انقلابیون کمونیست و کارگران و رهبران اتحادیه‌ها و سندیکا‌های کارگری سرشار شدند. برپایی میدانهای تیر و اعمال شکنجه‌های وحشیانه و ایجاد فضایی خفقان آور سبب گردید تا رژیم کودتا موقتاً حاکمیت خود را اعمال کند. در این سال هزاران کارگر و کارمند اخراج گردیدند و به ارتش میلیونی بیکاران

پیوستند، دستمزدها حدود سی درصد کاهش یافت، سیستم مالیاتی شدیدی برقرار گردید و بیشترین فشار و ستم را بردوش کارگران و توده‌های زحمتکش وارد آورد. "قانون کار" بورژوازی تحت قانون حکومت نظامی همچون شلاق با شدت هر چه بیشتر بر برگردانده کارگران فرودمی آمد، قیمت کالاها، های ضروری و حیاتی توده‌ها افزایش یافت و افتادگندیده سرمایه‌داری با تزریق بی‌رویه پول به بازار و اخذ وام‌های خارجی و داخلی با بهره‌های کلان بر تضادهای بین بست‌های خود شدت و عمق بیشتری می‌بخشید.

اگرچه دمیرل موفق به عملی نمودن طرح خود نگردید و در واقع کودتا فرصت انجام آنرا بیهوده می‌دانست اما رژیم کودتا تحت نخست وزیری "تورگوت اوزال" (۳) مجری آن طرح گردید و در راه همه‌جهد تسهیل رشد "اقتصاد صنعتی" به عنوان سودآورترین و سهل‌الوصول‌ترین شیوه استثمار، توجه به بخش صنایع و سرمایه‌گذاریهای لازم در این بخش در اولویت قرار گرفت. در این رابطه بی‌مناسبت نبود که حمایت‌های اعتباری و مالیاتی و گمرکی از بخش کشاورزی بیش از پیش سلب

گردید (به استثنای آن بخش از تولیدات کشاورزی مثل توتون و پنبه که تحت کنترل سیستم دولت بود و با اعتبارات محدودی به رشد خود ادامه داد) در پی این سیاست، تولیدکنندگان خرد در این بخش ورشکست گردیدند. در ادامه این شرایط رژیم ناز چار گردید در اوایل ژوئن ۱۹۸۶ حتی انحصار توتون و سیگار و کود شیمیایی را به بخش خصوصی واگذار کند. (۴)

در طی این روند، تورم به نحوی با بقاء شدت یافت و کاهش دستمزدها تا ۵۱٪ رسید و ترکیه که روزی صادرکننده عمده محصولات کشاورزی بود تبدیل به کشوری واردکننده گردید. به نحوی که مجبور شد حتی پنبه، سیب زمینی و... خود را از سایر کشورها تأمین نماید. (۵)

شرایط دهقانان و کشاورزی اصلاحات آرضی بعنوان زمینه ساز و ضروریات رشد و گسترش مناسبات سرمایه‌داری به رهبری کمال (آتا تورک) علاوه بر ایجاد زمینه‌های لازم جهت انتقال سرمایه مالی به ترکیه منجر به شکل گیری زمینداران سرمایه‌دار و سرمایه‌داری کشاورزی در ترکیه گردید، این رفرم آرضی

این رفرم آرضی دیگری که بعدها انجام گرفت علاوه بر تضعیف بقایای فئودالیزم و مناسبات ماقبل سرمایه‌داری، رشد مناسبات سرمایه‌داری را در تمامی عرصه‌ها سبب گردید، تولیدات کشاورزی که بدلیل شرایط بسیار مساعد جوی و آرضی از ارقام عمده صادرات ترکیه محسوب می‌شد، کاهش یافت (در سال ۱۹۸۴ از رقم ۷/۱ میلیارد دلار کل صادرات، ۲/۵ میلیارد دلار یعنی ۳۵٪ به بخش کشاورزی تعلق داشت در حالی که در سال ۱۹۸۵ این رقم به ۲/۳ میلیارد دلار از کل ۸ میلیارد دلار یعنی ۲۹/۷٪ رسید) این کاهش در ادامه سیاست‌های توسعه اقتصادی صنعتی شتاب بیشتری بخود گرفت. (۶)

این سیاست ضد خلقی باعث خرابی و فشار هر چه بیشتر به توده‌های فقیر و روستایی و دهقانان کم زمین و بی‌زمین گردید که بیش از نیمی از جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند.

در سرشماری سال ۱۹۸۵، ۵۵ درصد از کل جمعیت ۵۱ میلیون ترکیه را روستائیان تشکیل می‌دادند (۲۸ میلیون نفر) و طبق آمار دولتی سهم ناخالص ملی "یا درآمد" مدسالانه بطور متوسط هزار و صد دلار

گزارش شده است، از آنجائیکه سهم توزیع درآمدها در میان جامعه طبقاتی بصورت نامتناهی - سب و شدیداً طبقاتی و غیر عادلانه می باشد، در ترکیه، این مقدار در روستاها بین ۲۵۰-۱۰۰ دلار متغیر است.

بنابراین استثمارگران درآمدها را که منبع اصلی آن طبقه کارگر و ارزش افزوده ایست که توسط این طبقه تولید می شود به غارت برده در هزینه های نظامی، تأمین هزینه های موسسات و پرداخت به ماورین خویش مصرف کرده به مصرف خصوصی زندگی انگلی خویش رسانیده و جهت تأمین هزینه های خالص گردش بکار انداخته و بخش باقیمانده را جهت انباشت سرمایه داری در تولید می دهند.

پیدا است که فقط بخش ناچیزی از دسترنج طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه جهت زنده ماندن و تولید بیشتر به آنان تعلق می گیرد.

عمیق یابی - تورم و بحران بعد از کودتا کاهش مزد و در واقع فشار هر چه بیشتر به زحمتکشان حتی از گزارشات علنی موسسه بورژوازی آشکارا است. سندیکای "کار - نفت" (۷) (IS - PETROL) در قسمتی از گزارش خود می نویسد: "زمانی

که وضعیت اقتصادی سال ۱۹۸۵ را مورد بررسی قرار می دهیم در هیچ بخشی حرکت مثبتی مشاهده نمی کنیم. برای از بین بردن تورم، مدام از زحمتکشان مالیاتهای سنگین گرفته می شود. بررسیها نشان می دهد که در زمان حکومت اوزال درآمد کارمندان دولت، کارگران و دهقانان نزدیک به نصف کاهش یافته است. در دو سال اخیر در مزد کارگران ۴۵/۲٪ و کارمندان دولت ۳۰/۹٪ و دهقانان ۲۴/۶٪ کاهش دیده می شود. طبق این آمار در مجموع در دو سال اخیر ۳۵٪ برفقر موجود تسوده ها افزوده گشته است. گزارش سندیکای مزدور درآمد متوسط سرانه در سال ۱۹۷۵ را ۹۳۴ دلار و در سال ۱۹۸۵ یعنی ۱۰ سال بعد ۹۹۴ دلار گزارش داده است. شدت فلاکت و عمق بحران بحدی است که حتی روزنامه ها و عوامل وابسته به جناحهای سیاسی از

بورژوازی به تکاپو افتاده و رژیم را به چاره جویی دعوت می کنند. در گزارشی چنین می خوانیم: ۹ میلیون جمعیت روستایی را روستائیان فقیر و بی زمین تشکیل می دهند که سهم سالانه آنها صد دلار بیشتر نمی باشد و در حالیکه بیش از نیمی از جمعیت کشاورزان روستائیان تشکیل می دهند و فقط یک پنجم درآمد ناخالص ملی را سهم می برند سهم دهقانان فقیر و بی چیز حتی کمتر از یک بیستم درآمد ناخالص (۹) ملی می باشد. جدول رشد تولید ناخالص ملی در سالهای کودتا به بعد را که به خودی خود بیانگر گوشه ای از واقعیات کنونی جامعه ترکیه می باشد، جامعه ای که رژیم سرمایه داری حاکم با استفاده از خون کارگران و زحمتکشان کرد و ترک سعی در رنگ و جلا بخشیدنش را دارد.

جدول شماره ۱ - رشد تولید ناخالص ملی در ترکیه

سال	رشد تولید ناخالص ملی
۱۹۸۰	۱/۱ - درصد
۱۹۸۱	۴/۳ +
۱۹۸۲	۴/۴ +
۱۹۸۳	۳/۲ +
۱۹۸۴	۲/۶۴ +

جدول شماره ۳- مقایسه رشد سهم سود و اجاره و بهره با سهم فرد و حقوق (۱۰)

سال	سهم سود و اجاره و بهره	سهم فرد و حقوق
۱۹۸۰	%۲۴/۲	%۲۵/۸
۱۹۸۱	%۲۶/۶	%۲۳/۴
۱۹۸۲	%۲۶/۸	%۲۳/۲
۱۹۸۳	%۲۷/۲	%۲۲/۸
۱۹۸۴	%۸۰	%۲۰ (تقریبی)

سال	سهم افزوده شده بر مزد در بخش دولتی	سهم افزوده شده بر مزد در بخش خصوصی
۱۹۸۰	%۱۵	%۱۵/۴
۱۹۸۲	%۱۲/۹	%۹/۶
۱۹۸۳	%۹/۹	%۹/۵
۱۹۸۴	%۹/۸	%۹/۲

جدول شماره ۴- مقایسه دستمزد کارگران در بخشهای دولتی و خصوصی و کاهش آن (۱۰)

همانگونه که از جدول فوق بر می آید رشد تولید از سال ۱۹۸۲ به بعد پیوسته سیری نزولی پیموده است، در حالیکه طبق پیش بینی های حزب حاکم و نخست وزیر اوزال که خود را متخصص و منجی اقتصاد ورشکسته ترکیه اعلام کرده بود، می بایستی به رشدی برابر با ۵/۷٪ می رسید (۱۰). این بخوبی بیانگر آن است که رژیم کودتا نه تنها قادر به کاهش بحران نبوده است بلکه بر عمق و حدت آن نیز افزوده است. وظیفه رژیم در وهله اول سرکوب جنبش کارگری - توده ای و نجات موقت سیستم از فروپاشی است و برنامه های اقتصادی اش جز حمایت از سرمایه بزرگ انحصاری هدف دیگری نداشته است. گفتیم که رژیم کودتا تورم و بحران را شدت بخشید؛ جدول زیر تا حدودی درجه تورم را با زگومی کند.

شمس طلای ۲۴ عیار (لیر)	۱۷۴۶	۶۱۵۸	-%۴۰۰
هر دلار آمریکا (لیر)	۱۹/۲۵	۵۲۴	-%۵۳۴
هر مارک آلمان غربی (لیر)	۴۵/۱۵	۲۳۳	-%۴۱۶
درصد تورم	-	-	-
سال	۱۹۸۱	۱۹۸۵	

جدول شماره ۲- نسبت کاهش برابری لیر از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ (۱۱)

همانگونه که از جدولهای فوق بر می آید سهم سود و اجاره و بهره به حیب چپا و لگران سرازیر می شود و پیوسته سیر صعودی و تزایدی داشته است. در صورتیکه سهم فرد و حقوق کارگران سیر نزولی طی نموده است و این نشان دهنده این واقعیتی است که درجه و شدت استثمار کارگران و دیگر زحمتکشان روز به روز عمیق و شدت فزاینده ای داشته است.

رژیم سرمایه داری در ادا مه
حمایت بیدریغ خود از منافع
سرمایه داران، پس از کودتا ،
ظالمانه نوعی سیستم دستمزد
را اعمال نمود که به دستمزد
حداقل "شهوار است" بر پایه
این سیاست به غایت ستمگرانه
مبنای حقوق طوری انتخاب
شده که حتی برای زنده ماندن
یک کارگر ناممکن
بوده ، تا چه رسد به تامین
خانواده اش .

در سال ۱۹۸۴ با توجه
به آمار داده شده (۱۲) مجموع
کارگران مزدگیر در ترکیه حدود ۵
میلیون نفر ذکر شده است که
۱/۲۴۸۰۰۰ نفر از آنان عضو
اتحادیه های قانونی بوده و
حداوسط حقوقشان ۲۵ هزار
باشد . در صورتیکه بقیه
کارگران که عضو اتحادیه ها
نیستند با حقوقی معادل ۱۶۲۰۰
لیر (کمتر از ۴۰ دلار) باید
گذران زندگی خود و خانواده -
شان را تامین نمایند . طبق
در این میان کارگران عضو
اتحادیه ها نیز که از مزد نسبتا
آمار دولتی "حداقل بودجه
لازم و مورد نیاز یک خانواده
چهار نفره ۹۷۲۰۰ لیر می باشد .
در این میان کارگران عضو
اتحادیه ها نیز که از مزد نسبتا
بالایی نسبت به بقیه کارگران
برخوردارند نیز نمی توانند با
حقوق ماهانه ای نزدیک به
۲۵ هزار لیر از عهده جرخ زندگی

خود و خانواده شان برآیند .
اگر به نرخ برخی از کالاهای
هزینه های ضروری توده ها در
سال ۱۹۸۴ نظرا فکنیم به درجه
فشار و فقر کارگران در ترکیه
پی خواهیم برد . گوشت کیلویی
بیش از هزار لیر ، پنیر نامرغوب
کیلویی ۱۰۰۰ لیر ، سیگار ترک
۳۰ لیر ، کرایه اتوبوس شهر -
داری ۵۰ لیر ، نان دانه ای ۴۰
لیر ، کپسول گاز ۱۲ کیلویی دو
هزار لیر ، اجاره خانه یک خانه
دو اتاق بدون هیچ نوع
تسهیلات اولیه و در شرایط کاملا
غیر بهداشتی و در محلات فقیر

یابی است شمار فزونی می یابد .
تورم روز به روز شدت
می یابد و مزد حقیقی کارگران
پیوسته تنزل یافته و درآمد
سرمایه داران در نتیجه شدت -
غیر بهداشتی و در محلات فقیر

جدول شماره ۵- مقایسه مزد اسمی و رسمی کارگران (۱۰)

سال	مزد نظاهری (اسمی) ماهانه	مزد رسمی (حقیقی) به مورد ناخالص ماهانه
۱۹۷۴	۲۰۴۷ لیر	۶۷۸/۶۰ لیر
۱۹۷۹	۸۸۲۹	۶۱۶/۲
۱۹۸۰	۱۲۸۰۸	۴۶۰۲
۱۹۸۳	۲۴۸۷۷	۳۴۹۵

اکنون نرخ تورم و افزایش دستمزد را با هم مقایسه کنیم :

جدول شماره ۶- مقایسه نرخ تورم و افزایش دستمزد (۱۰)

سال	نرخ تورم	افزایش دستمزد (اسمی)
۱۹۸۰	۱۰۷/۲ درصد	۸۰ - ۷۰ درصد
۱۹۸۱	۳۶/۸	لیر ۱۰+۳۰۰۰ درصد
۱۹۸۲	۲۵	لیر ۱۵+۳۰۰۰ درصد
۱۹۸۳	۳۰/۶	لیر ۲۰+۱۵۰۰ درصد
۱۹۸۴	۵۰	لیر ۲۵+۲۰۰۰ درصد

همانگونه که در جدول فوق مشهود است نرخ تورم از سال ۱۹۸۲ به بعد همه ساله سیری صعودی پیموده در خالیکه خود مقامات دولتی مقدار واقعی آنرا به زبان نمی آورند و فقط به مقیاس ۵۰ درصد معترضند. مزد اسمی کارگران بیش از ۲۵٪ افزایش یافته است و همانگونه که پیش تر گفتیم این به اصطلاح افزایش ادعایی و اسمی فقط شامل کمتر از یک سوم کارگران مزد بگیر می شود، در حالیکه نزدیک به ۴ میلیون کارگر غیر متشکل در اتحادیه های دولتی با حقوق حداقل و "مرکزا" و با احتساب تورم شدید و کاهش قدرت خرید و کاهش ارزش پول و گرانی روز افزون کالاها و هزینه های زندگی چگونه می تواند حیات خانوادهاش را که بنا به اعتراف خود موسسات آمار دولتی مبلغی برابر با ۹۷۲۰۰ لیر می باشد، بنا

به گزارش روزنامه دیلی نیوز ترکیه قیمت کالاهای مسورد نیاز در سال ۱۹۸۴ در مقایسه با یک سال قبل از آن ۵۶/۹ درصد افزوده گردید و در خالیکه افزایش ظاهری و ادعایی مزد ها نسبت به ۱۰ سال قبل ظاهرا حدود ۱۲۰ درصد، مزد حقیقی ۴۹٪ کاهش داشته است و اینجاست عمق فاجعه جامعه سرمایه داری، در خالیکه حتی این روزنامه می نویسد: "واژ این روبیاری از کودکان و زنان ناچارند اقدام به خودفروشی و فاحشگی نمایند و یا دست به خودکشی بزنند (۱۳). بنا به گزارش روزنامه بورژوازی ملیت ترکیه (۲۷ اوت ۱۹۸۴) تعداد کودکانی که در سال ۱۹۸۴ در خیابانهای استانبول رها شده اند بیش از ۱۴۰ نفر بوده اند در صورتیکه در سال ۱۹۸۰ تعداد این گونه کودکان را ۴۰ نفر گزارش داده اند.

در این شرایط است که رژیم با حمایت های همه جانبه خود از سرمایه داران شرایط استثمار هر چه شدیدتر را مهیا ساخته و سرمایه های وابسته بزرگ را هر چه راغب تر بسوی بخش های بی که سرمایه از امنیت و سودآوری بیشتری برخوردار است، سوق می دهد.

در ترکیه حدود ۵۰۰ موسسه صنعتی بزرگ وابسته به سیستم سرمایه داری جهانی به استثمار کارگران و زحمتکشان مشغولند. بنا به آمار روزنامه دیلی نیوز این شرکتها در سال ۱۹۸۳ با احتساب نرخ تورم ۳۰٪ مجموعا با یک سرمایه بازگشتی به میزان ۶۰٪ سودی معادل با ۵۰٪ داشته اند. بنا به تحقیقی که بوسیله موسسه انگلیسی موسوم به ISO صورت گرفته در میان ۵۰۰ کمپانی انحصاری بزرگ جهانی ۱۵ شرکت به سرمایه داران ترکیه تعلق داشته است. در خالیکه در این تحقیق از سه شرکت عظیم و انحصاری "کوچ"، "سابانچی" و "تک من" نامی به میان نیامده است، با این وجود بنا بر تحقیق دیگری که بوسیله نشریه آمریکایی

جدول شماره ۷- مقایسه درآمد مدرانه، مرگ و میر نوزادان و تلفن در ترکیه با برخی از کشورهای دیگر (۱۴)

ترکیه	آمریکا	یونان	سوئد
۹۹۰	۱۳۰۰۰	۶۰۰۰	۱۲۰۰۰
۱۳۱	۱۱/۲	۱۵/۶	۶/۸
۵۳	۷۶۰	۳۱۷	۸۵۶

مرگ و میر نوزادان (هزار)
درآمد مدرانه (دلار)
تلفن (در هزار)

GORTUNE (آینده) صورت گرفته سود خالص و تعداد کارگران سه شرکت مزبور بصورت زیر می باشد.

جدول شماره ۸- سودخالص سه شرکت سرمایه‌داری بزرگ
واسته در ترکیه (۱۵)

تعداد کارگران	سودخالص (میلیون دلار)	نام شرکت
۵۱۴۱۷۰	۲۹۹	TPAO
۲۸۴۴۸	۵۸	KOC
۲۶۰۰۰	۴۴	SABANCI

همین خدمت به خلق بدست آورده و کاسبی کرده و کاسب هم حبیب خداست "ورژیم هم همانند ادعای مسعود رجوی قصد خدمت به خدا و خلق خدا را دارد. همه سرمایه‌داران بی‌شرمند و این یکی از همه وقیح تر. گفتیم که هدف برنامه

پیشنهادهای دمیرل و اجرای آن بوسیله رژیم نظامی عمدتاً حمایت از سرمایه‌های بزرگ بود، پس از کودتای ۱۹۸۰ در مدت کمتر از ۴/۵ سال بخشی از سرمایه‌های خارجی با سرمایه - گذاری ۳۰۰ میلیون دلار، سودی برابر با ۲۳۰ میلیون دلار را بخود اختصاص داده‌اند (۳). در این میان کشورهای سرما - یه‌گذاری کشورهای آلمان، سوئیس، آمریکا بیشترین نقش را داشته‌اند. حواشی ص ۴۰

ادامه دارد

در ترکیه TPAO در میان ۵۰۰ کمپانی بزرگ سرمایه‌داران جهانی در ردیف صد و هجدهم قرار دارد. وجهه سوچی نرم‌آوری است؛ مانیکه ساپانچی یکی از سرمایه‌داران بزرگ و یکی از سرمایه‌داران اقتصادی، در حالیکه سودخالص وی فقط طبق آمار دولتی در سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۴۴ میلیون دلار گزارش شده، در مصاحبه‌ای می‌گوید: "من سرمایه‌دار نیستم و توسیاد (کلپ سرمایه‌دارانی که وی رئیس آن می‌باشد) هم کلپ سرمایه‌داران نیست. این کلپی است که برای خدمت به مردم تاسیس شده است. این کلپ برای حفظ منافع افراد محدودی تاسیس نشده و موسسه‌ای است تمام و کمال در خدمت خلق ... من سرمایه‌دار نیستم، من تولیدکننده هستم. کسانی که در مسابقات اسب‌دوانی و در قماربولدار می‌شوند سرمایه‌دار هستند. (۱۵) حتی رقم ۴۴ میلیون دلار را هم در نتیجه

ملیت	تعداد شرکتها	حجم سرمایه‌گذاریها (میلیون لیر)	درصد
سوئیس	۶۳	۳۵۶۱۶	۱۷/۱
آمریکائی	۶۰	۳۰۸۸۷	۱۴/۸۱
آلمانی	۵۹	۲۱۷۹۸	۱۰/۴۵
بقیه‌کشورها		۲۰۸۵۹۴	۵۲/۶۴
مجموع		۲۹۶۸۶۵	۱۰۰

جدول شماره ۹- سرمایه‌گذاریهای کشورهای امپریالیستی در ترکیه (۱۸)

جنگ در خلیج

روزشنبه ۲۰ ژوئن، سی روز پس از حمله "تصادفی" یک هواپیمای عراقی به یک ناو جنگی آمریکا، طبق گفته ستاد فرماندهی ارتش عراق، نیروی هوایی آن کشور، بار دیگر اسکله بارگیری جزیره خارک و یک نفتکش لیبریایی را در خلیج فارس هدف آتش خود قرار داد.

رژیم پس از متهم کردن دولتهای کویت و عربستان در همدستی با عراق در این حمله اعلام نمود که روز یکشنبه ۲۱ ژوئن عملیاتی را بنام "هفر ۴" به تلافی حملات عراق علیه نفتکشها "در شمال سلیمانیه" آغاز کرده است.

* * *

خرید اسلحه از چین

بنا به گفته روزنامه واشنگتن پست به نقل از منابع وزارت دفاع آمریکا، ایران در اواخر ماه ژوئن مقادیر زیادی اسلحه از چین دریافت داشته است. این سلاحها شامل شکاریهای بمب افکن از نوع badger و موشکهای silkwork می باشد. به نظر می رسد رژیم قصد دارد این موشکها را در جزایر خلیج فارس مستقر سازد.

انعقاد قرارداد میان ایران و سوریه

روزشنبه ۲۰ ژوئن، رادیو تهران گزارش داد که در پایان کارهای کمیسیون مختلط ایران-سوریه که در این هفته در دمشق تشکیل جلسه داد، دو کشور، قراردادی را برای گسترش همکاری دو جانبه در زمینه های تجارت، اقتصاد، بانکی و تکنیکی منعقد کرده اند.

این در حالی است که یک میلیون تن نفت مجانی یعنی حاصل دسترنج کسارگران و زحمتکشان ایران از سوی سردمداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی همه ساله به رایگان بعنوان "کمک" به دولت "برادر" سوریه اهدا می گردد.

* * *

بمباران شیمیائی سردشت

بنا به ادعای مطبوعات رژیم در روز یکشنبه ۲۸ ژوئن عراق بار دیگر اقدام به بمباران شیمیایی شهر سردشت نموده است. در این حمله دهها تن کشته و ۶۰۰ تن دیگر مجروح گردیده اند.

* * *

قطع روابط دیپلماتیک

موریتانی با ایران

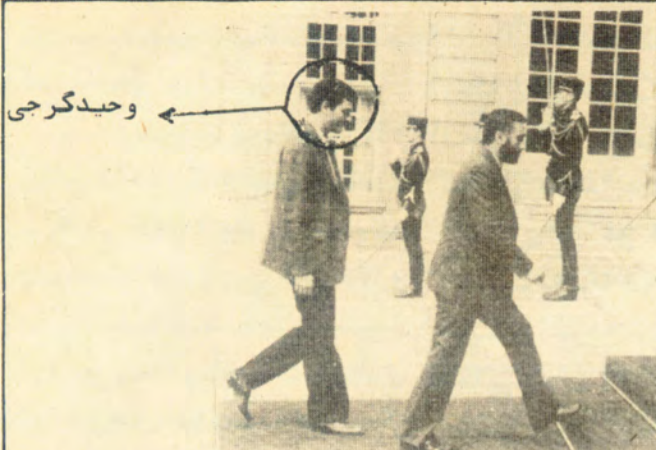
دولت جمهوری اسلامی موریتانی اعلام کرد که "بمنظور اعتراض علیه" خودداری لجوجانه "ایران از پذیرفتن یک راه حل سیاسی برای جنگ ایران و عراق روابط خود را با این کشور قطع می کند".

این عمل دولت موریتانی، بخوبی بیانگر ایزوله شدن هر چه بیشتر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی حتی در نزد همپالکیهای خویش در سطح جهان می باشد.

* * *

تیرگی روابط رژیم با فرانسه

بدنبال فراخواندن وحید گرجی (پسر عثمان الهه گرجی پزشک مخصوص خمینی در هنگام اقامتش در نوفل لوشاتو) مزدور سفارت رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در پاریس توسط مقامات قضایی فرانسه، در چارچوب تحقیقات پلیس این کشور حول بمب گذاریهای سال ۸۶، و پنهان شدن وی در سفارت ایران و ممانعت از حضور در مقابل مقامات قضایی فرانسه، روابط دو دولت روبه تیرگی نهاد، و سفارتخانه های دو کشور



Wahid Gharaji, Secretary to the President, is seen with Ali Raza Mirza, another of the President's sons, in a photograph taken in 1980.

سوء قصد به خان یک مزدور رژیم در اسپانیا

در تاریخ ۶ ژوئیه، محمد رئیس معاوون دوم سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا بر اثر انفجار بمبی از ناحیه دست و پا و چشم راست زخمی گردید. رادیو رژیم تروریستی جمهوری اسلامی در اخبار شب خود این عمل را بعنوان "حرکتی تروریستی" محکوم نمود. هادی سلیمانپور، سخنگوی سفارت ایران در اسپانیا به نوبه خود طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "این اعمال تروریستی توسط یک سیستم بین المللی اداره می شود که هدفش ضربه زدن به "جنش آزادبخش جهان

سوم" می باشد. وی در مورد چگونگی حادثه افزود: "محمد رئیس در حین عقب راندن اتومبیل خود متوجه چیزی غیر عادی می گردد و پیاده می شود. وی در کنار چرخ چپ اتومبیل خود متوجه شیئی می گردد. بعد از آن او هیچ چیز را به یاد نمی آورد."

آنا توریک سخنگوی دولت اسپانیا اعلام نمود که بر خلاف گفته سخنگوی سفارت رژیم در اسپانیا "بمب در زمان روشن کردن اتومبیل منفجر شده است."



اسپانیا

در پاریس و تهران تحت مراقبت های شدید پلیسی قرار گرفت.

میر حسین موسوی نخست وزیر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تهران اعلام نمود: "هرگونه محدودیت و فشار بر علیه هموطنان و یا دیپلمات های ما در خارج بی جواب نخواهد ماند. این در حالی است که رژیم یک دیپلمات فرانسوی در تهران را به داشتن اعمال "غیر دیپلماتیک" محکوم نمود.

ژاک شیراک نخست وزیر فرانسه در یک مصاحبه با روزنامه لو موند گفت که وی تمامی راه های مورد نیاز را بکار می گیرد تا "قوه قضائیه بتواند کار خود را انجام دهد." حتی اگر این راهها به قطع رابطه دیپلماتیک "دو کشور ختم گردد. وی در ادامه سخنان خود بعد از اشاره به "اثرات مخرب حاضر نشدن وحیدگرچی در مقابل مقامات قضایی بر روی عادی سازی روابط دو کشور" از این موضوع پرده برداشت که بنا به درخواست رژیم جهت تسریع این عادی سازی ها، وی فشار را بر روی مخالفین رژیم شدت بخشیده و "مسئله مخالفین رژیم در فرانسه را حل نموده" است.

کره جنوبی

این کشور در طی ماه ژوئن شاهد تظاهرات و درگیری های جهتی اعتراض به وضعیت حاکم بر این کشور و تامین خواسته های از قبیل آزادی زندانیان سیاسی (بیش از ۳۰۰۰ تن)، سازماندهی یک رفرا ند م جهت تصویب قانون اساسی جدید و تامین مجدد تمامی آزادیها و ... بود.

در درگیریهای شدیدی که در تاریخ ۱۱ ژوئن بین راهپیمایان و پلیس روی داد، بیش از ۶۰۰ تن مجروح گشته و تعداد زیادی اتوبوس و خودرو پلیس به آتش کشیده شد.

اگرچه هیئت حاکمه به خاطر حفظ "ثبات" خوب - شاز اعلام حکومت نظامی خودداری کرده است ولی اقدامات امنیتی اضطراری ای را تدارک می بیند.

در حالیکه تظاهرات هر کنندگان راههای رادیکال تر مبارزه را می طلبند، نماینده "کیم یانگ سام" یکی از رهبران اپوزیسیون اعلام داشت: "ما انتخاب دیگری جز ادامه مبارزه از راههای مسالمت آمیز را نداریم." و بار دیگر ضعف و زبونی "اپوزیسیونهای" بورژوازی را در هراسشان از خیزشهای توده ای به نمایش گذاشت.

در این میان رونالد ریگان در هراس از ادامه این اعتراضات و گسترش آن به تظاهرات ضد آمریکایی و افتادن منافع آمریکا و امنیت پایگاههای نظامی خویش در کره جنوبی، با اعزام نماینده ای از "جون دوهوان" رئیس جمهور کره جنوبی خواست تا با "میان روی" مذاکره با اپوزیسیون را آغاز نماید.

افغانستان

روزیکشنبه ۲۸ ژوئن، حبیب الله فرد شمار یک دولت افغانستان اعلام نمود که به زودی خواستار قانونی در مورد مشروعیت بخشیدن و ایجاد احزاب سیاسی علنی خواهد شد. وی بازگشت به نام جمهوری افغانستان به جای جمهوری دمکراتیک افغانستان را اعلام داشت.

فلپین - تروریک، افسر ارشد

یک، سرهنگ پلیس این کشور در منزل خود واقع در ایالت "لویلو" توسط نیروهای انقلابی به هلاکت رسید، از سوی دیگر در تاریخ ۲۰ ژوئن، بر اثر انفجار دونا رنک در یک قرارگاه پلیس شهر سوبویک نفر کشته و ۱۲ تن مجروح گردیدند.

همچنین در روز یکشنبه ۲۱ ژوئن بر اثر انفجار دیگری در مقر کمیسیون رسمی انتخابات دو نفر مجروح شدند.

نیکاراگوئه: نبردهای شدید میان نیروهای دواتی ضد انقلابیون "کنترا"

طبق اظهارات وزارت دفاع نیکاراگوئه، ارتش طی یک ماه گذشته ۴۷۷ تن از چریکهای "کنترا" را در جریان درگیریهای شدیدی که در ایالتهای "چینولگا" و "ماتا - مالیا" روی داده از پا آورده است. بر اساس آماری که از سوی همین وزارتخانه ارائه شده است، نیروهای دولتی ۱۳۱ تن کشته از خود به حای گذاشته اند.

آمریکا و پول عربستان

بنا به گفته نیویورک تایمز، از سالهای ۷۰ تا کنون عربستان سعودی میلیاردها دلار بنا به درخواست آمریکا به دهها جنبش و دولت ضد مارکسیستی کمک نموده است. طی دوده ها اخیر کمکهای عربستان سعودی به جنبشها و دولتهای متمایل به غرب در افغانستان، یمن شمالی، سومالی، سودان، پاکستان، زئیر و نیکاراگوئه بوده است.

۱۷ ماه پس از فرار جان کلود درووالد دیکتاتور هائیتی و دست گرفتن قدرت توسط شورای ملی دولت (CNG) این کشور در چند هفته اخیر شاهد اعتراضات بزرگ و عظیمی بر علیه سیاستهای ژنرال نامفی و شورای ملی دولتی اش بود. این نظامیان آنها که با نیرو اندازی

کار می کنند، نیز از سه دلار در روز کمتر می باشد. از این رو بسیاری از خانواده ها از تامین حداقل معیشت خویش در مانده اند. در حلی آب و هوا، زحمتکشان مجبورند حتی آب مصرفی مورد نیاز خود را به قیمت هر سطل ۹ سنت تهیه نمایند. این موضوع شامل استخرهای پر آب مقاصات دولتی و نزدیکان آنها نمی شود.



پلیس بسوی راهپیمایان همراه بود، تاکنون بیش از ۲۰ کشته و صدها محروح بجای گذاشته است.

بحران کنونی نتیجه وضعیت نابسان اقتصادی و اثرات مخرب آن بر زندگی توده های مردم است، در کشوری با حدود ۵۵ میلیون جمعیت، تعداد مشاغل از ۲۰۰ هزار تجاوز نکرده و حقوق دو سوم کسانی که

در هفته آخر ژوئن و اوایل ژوئیه به دعوت "کمیته هماهنگی اعتصاب" که ۵۷ حزب و سازمان و سندیکا را در بر می گیرد، اعتصاب عمومی چند روزه ای سراسر کشور را فرا گرفت، این کمیته در اشرافار توده های مردم که در راهپیمایی های خود خواستار برکناری "شورای ملی دولت" (CNG) شده بودند، محبوب گشت شعار

ثوق را تکرار کرده و بنوبه خود خواستار برکناری این شورا گردد. یکی از سخن گویندگان "کمیته هماهنگی اعتصاب" در سخنان خود گفت: "باید شورای ملی دولت" (CNG) برکنار شود، تا صلح به کشور باز گردد" (طبق قانون اساسی (CNG) تا فوریه ۸۸ در قدرت است) از سوی دیگر دولت در اشرافار توده های مردم، تا کنون در دو مورد عقب نشینی نموده است و حاضر به ۱- محدود کردن حق ویژه مربوط به قانون اساسی شورای انتخابات موقت ۲- قانونی کردن دوباره کات (CATH)، (سندیکایی که در ۲۲ ژوئن غیر قانونی اعلام شد و بسیاری از اعضا و رهبران آن دستگیر شدند)، گردد.

طبق آخرین خبرها، اعتصاب عمومی که در تاریخ ۸ ژوئیه آغاز گردیده بود، در تاریخ ۸ ژوئیه پایان رسید و کمیته اعتصاب اعلام کرد که ترجیح می دهد یک آلترناتیو ملی را در مقابل دولت نظامی به مردم پیشنهاد نماید.

پارلمان اروپا و مسئله ارمنیه
وعکس العمل دولت ترکیه

پارلمان اروپا
قطعنامه ای را راجع به قتل

سوئد - کیرونا



کیرونا

به مناسبت اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان، هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تظاهرات هرات احزاب و نیروهای سیاسی سوئد در صفاي مستقل شرکت کردند. رفقای هوادار در این راه - پیمائی با حمل پلاکاردهایی که بر روی آنها شعارهای:

— زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

— سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

— برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

نقش بسته بود و همچنین با پخش اعلامیه هایی به زبان فارسی و سوئدی، ضمن محکوم نمودن فشار و اختناق حاکم در ایران اتحاد همبستگی طبقه کارگر ایران را با کارگران سراسر جهان در مبارزه شان بر علیه نظام پوسیده سرمایه داری جهانی اعلام داشتند.

*

سندویکن

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، " کمیته برگزار کننده اول ماه مه " متشکل از هواداران سچفا در سندویکن و دیگر نیروهای انقلابی و افراد مترقی با

انتشار فراخوانی، خواستار شرکت هر چه گسترده تر در جمهوری اسلامی تشریح نمود و راهپیمائی اول ماه مه گردید. خواستار حمایت هر چه بیشتر در جواب به این فراخوان بیش از ۸۰ نفر از هموطنان مبارز در صفاي مستقل در تظاهرات هرات کارگران و زحمتکشان سوئدی شرکت نمودند.

این کمیته بعد از ظهر در پایان راهپیمایی، همان روز مباردت به برگزاری نماينده کمیته در حضور بیش از یک هزار شرکت کننده در مراسم ضمن اعلام همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با کارگران همبستگی کارگران و زحمتکشان و ستم دیدگان سراسر جهان، سراسر جهان خاتمه یافت. وضعیت طبقه کارگر ایران را



سندویکن

استکهلم

در تاریخ ۲۵ ماه مه به دعوت کمیته حمایت از زندانیان سیاسی در استکهلم، تظاهراتی جهت پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران برگزار گردید که هواداران سچخا فعالانه در آن شرکت نمودند.

راهپیمایان با گذشتن از خیابانهای اصلی شهر و فریاد شعارهایی چون "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "اعدامها را در ایران محکوم کنید"، "مرگ رژیم تروریستی حاکم بر ایران" به افشای جنایات رژیم پرداختند.



استکهلم

در خاتمه راهپیمایان شهروندان سوئدی از زندانیان با تجمع در مرکز شهر در سیاسی ایران و محکوم کردن قطعنامه‌ای خواستار حمایت رژیم گردیدند.

فرانسه - پاریس

میتینگ گرامیداشت سالگرد شهادت فدایی خلق سعید سلطانپور

انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه هودار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران، در تاریخ شنبه ۲۰ ژوئن ۸۷، میتینگی را جهت گرامی داشت شهادت شاعر انقلابی، فدایی خلق سعید سلطانپور با حضور بیش از ۱۵۰ تن از افراد ونیروهای انقلابی و مترقی برگزار نمود. برنامه ابتدا با یک دقیقه سکوت به یاد تماشای بخون تیپیدگان خلق آغاز شد. پس از آن شعرخوانی به زبانهای فارسی و فرانسوی



پاریس

توسط دوتن از رفقا اجرا و در ادامه آن موسیقی ایرانی اجرا گردید. میتینگ با در قسمت دوم برنامه، موسیقی مرقی پروخاتمه سرودهایی توسط گروه کرانجمن یافت.

□